

نگارشی بران شاهها و خاطرات فرآنی  
شهید مطهری

دکتر تاج‌الدین حاجی‌مهری





### ◀ مقدمه :

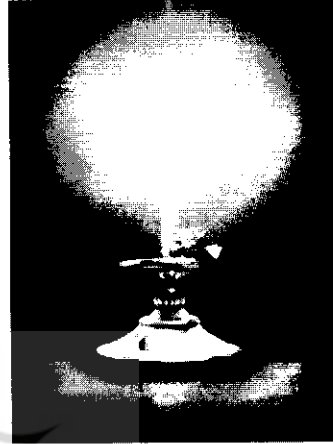
نام بلند آوازه شهید مطهری، همواره یادآور فیلسوفی برجسته، متکلمی زبردست، خطیبی توانمند و نویسنده‌ای تواناست. کم نیستند کسانی که شاید حتی این اندازه هم ندانند که استاد شهید به موازات پژوهش‌های عقلی و به ویژه فلسفی خود تا چه اندازه به علوم نقلی، به ویژه قرآن و تفسیر دل بستگی و اشتیاق داشتند. آنگونه که خود در چندین نوبت تصریح فرموده‌اند. پس از یکی دو سال که از هجرت ایشان از قم به تهران در سال ۱۳۳۱ شمسی می‌گذشت، در جلسات منظم هفتگی به تفسیر قرآن پرداختند (۱) و اگر چه با هزاران افسوس، سالیان درازی بخش‌های عمده‌ای از این جلسات بر روی نوار ضبط نمی‌شد، و از زمانی که شروع به ضبط کردن نوارهای این جلسات نمودند، ظاهر این کار چندان منظم و مرتب انجام نمی‌شد و یا به دلایلی دیگر بخش‌هایی از این نوارها موجود نیست و افتادگی‌هایی به چشم می‌خورد (۲) بگذریم از پاره‌ای نوارهای ضبط شده‌ای که به وسیله ساواک رژیم شاه به یغما رفت، نظیر نوارهای جلسات تفسیر مسجد الجواد در فاصله سال‌های ۴۹ تا ۵۱، یعنی پس از تعطیلی حسینیه ارشاد که استاد پایگاه فرهنگی خویش را مسجد مذکور قرار داده بود. (۳) ولی با این همه، حدود صد و پنجاه ساعت نوارهای تفسیری استاد

موجود است که تاکنون تعداد کمی از آنها انتشار یافته است. (۴) و یقیناً با انتشار مجموعه کامل این مباحث تفسیری، بعد دیگری از شخصیت ذو ابعاد آن شهید سعید، یعنی بعد قرآنی و تفسیری آن جان پاک و مطهر، برای جامعه اسلامی مکشوف خواهد شد.

### کلید واژه - انس با قرآن، حلاوت با قرآن، قرآن شناسی و قرآن فهمی : ◀ شهید مطهری و انس با قرآن :

بی تردید انس شهید مطهری با قرآن و همدمی با این کتاب الهی که در سرتاسر حیات طیبه این شهید بزرگوار مشهود است، از کانون گرم خانوادگی ایشان و از پدر قرآن‌خوان و قرآن‌دان شهید مطهری آغاز می‌شود و به دست اساتید قرآن‌شناس و قرآن‌پژوهی، همچون امام خمینی (ره) و علامه طباطبایی (ره) به کمال می‌رسد. و در این مسیر کام تشنه و جان مطهر وی نیز آنچنان قابلیت و استعداد داشت که جز با جاری کلام و وحی و زلال پیام الهی با چیز دیگری سیراب نمی‌شد. اگر چه مباحث ناشنیده و ناگفته در این زمینه بسیار است؛ به منظور پرهیز از تطویل کلام و اجتناب از دور شدن از عنوان مقال، پاره‌ای مباحث قرآنی و تفسیری آن استاد بی بدیل را به فرصت‌های آتی وامی‌گذاریم و در مجال کنونی یکی از خاطرات قرآنی استاد را که در آثار ایشان آمده و شاید بسیاری افراد از آن بی اطلاع باشند عیناً نقل می‌کنیم. استاد در ضمن یکی از مباحث قرآنی خود، یعنی بحث «اعجاز قرآن» در تیتري تحت عنوان «حلاوت قرآن

به این موضوع می پردازد، ایشان معتقد است یکی از وجوه متعدّد اعجاز قرآن (حلاوت قرآن) است.



### ◀ حلاوت قرآن :

شهرتِ مطهری چنین می فرماید: یک موضوع دیگر برایتان عرض می کنم و آن مساله حلاوت قرآن یعنی شیرینی و تناسبش با ذائقه‌ی انسان، به طوری که سیرناشدنی است. هیچ توجه کرده‌اید که در اسلام اصلاً نقش تلاوت قرآن، یعنی همان خواندن، موضوعیت دارد؟ درست است که ما خودمان هم گاهی مردم را ملامت می کنیم - و آن ملامت هم از آن نظر بجاست - که افرادی فقط قرآن را تلاوت می کنند، ولی به محتویات و دستورهای آن کاری ندارند، مرتب قرآن را می خوانند، ولی نمی خواهند عمل کنند. در حدیث هم هست: «ربّ تال للقرآن و القرآن یلعنه» بسا کسانی که قرآن را تلاوت می کنند ولی قرآن خودش آنها را لعن می کند، چون برضد قرآن عمل می کنند. این مطلب، حرف درستی است ولی به معنی

آن است که قرآن را باید عمل کرد و باید هم تلاوت کرد. اصلاً خود تلاوت قرآن موضوعیت دارد به خاطر اثری که

در خصوص تلاوت قرآن موجود است و این اثر هم باز مربوط به همان سبک و زیبایی قرآن است. چون این کلام با کلمات دیگر فرق می کند. یعنی همان معنی را اگر شما از زبان دیگر بشنوید آن اندازه در شما اثر نمی گذارد، بلکه جنبه مرموزی و اعجاز آمیزی اش همان جنبه زیبایی آن است، همان جنبه تناسب فوق العاده و تحریک فوق العاده‌ای است که این کلام می تواند در

روح شنونده ایجاد کند. لهذا قرآن را خیلی باید تلاوت کرد. ولی قبل از تلاوت، خیلی خوب و لازم است که هر مسلمانی - و لااقل هر مسلمانی که علاقه مند به قرآن است - با زبان قرآن آشنا شود. دیروز عصر در فاتحه‌ی مرحوم محمد فرزانه که به مناسبت چهلمین روزش در حسینیه گرفتند - و او واقعا مرد عالم و متدین بوده و ما از نزدیک ایشان را می شناختیم و واقعا اهل قرآن بود - آقای احمد آرام که به قول خودش سخنران نیست، آمد، ده پانزده دقیقه‌ای صحبت کرد و بعد یک موضوع خیلی خوبی برای مستمعین مطرح کرد. گفت آقایان هر چه که شما در فضیلت این آقای فرزانه می گوید، همه اینها وابسته به یک چیز بود که فرزانه اهل قرآن بود و با قرآن سروکار داشت. و بعد هم همه را توصیه کرد که اگر کسی مسلمان است و می خواهد از مزایای اسلام بهره مند شود باید با قرآن آشنا شود. و اگر

نمی خورد. اگر یک طلبه از همان اوایل تحصیلش همین کتاب‌هایی را که در باب اعجاز قرآن نوشته شده است از قدیم و جدید بخواند - از جدید، مثل همین کتاب صادق رافعی، و از قدیم، مثل همان کتاب عبدالقاهر جرجانی و ابوبکر باقلانی - اگر یک طلبه از اول با این موضوع آشنا شود و بعد با توجه به جنبه‌های اعجاز آمیز قرآن وارد قرآن شود و بعد وادارش کنند به حفظ و ضبط قرآن، و اعجاز قرآن را خیلی بهتر می‌تواند درک کند از کسی که مثل ما اینطور نیست و من می‌توانم بگویم (السته این را نمی‌خواهم - عنوان ترکیه نفس و خودستایی گفته باشم، ولی به عنوان یک شکر نعمت پروردگار عرض می‌کنم) من خودم حدود هشت سال است که واقعا از شنیدن قرآن لذت می‌برم و واقعا از خواندن قرآن لذت می‌برم و اصلاً در قلب خودم یک معنی‌ای در قرآن احساس می‌کنم که در غیر قرآن احساس نمی‌کنم. گاهی با خودم فکر می‌کنم که شاید این در اثر آن است که تربیت ما عملاً تربیت اسلامی و دینی بوده [و] این خودش نوعی تعصب است. بعد می‌بینیم که اگر تعصب بود باید هر چیزی که نام اسلام داشته باشد برای من علی السویه باشد، این همه اخبار و احادیثی هم که ما داریم نباید اینها در من [همان احساس را ایجاد کند] در صورتی که می‌بینم نسبت به بسیاری از آثاری که در قدیم آثار اسلامی می‌دانستم و درباره آنها فکر می‌کردم، مرتب دارم از آنها دورتر می‌شوم، ولی نسبت

می‌خواهد با قرآن آشنا شود باید با زبان قرآن آشنا شود و این زبان قرآن را بروید یاد بگیرید. به خاطر قرآن بروید یاد بگیرید نه به خاطر چیز دیگر. به قول او، ما به عرب و عجم چه کار داریم؟ امام حسین علیه‌السلام به زبان عربی صحبت می‌کرده، شمر بن ذی‌الجوشن هم به زبان عربی صحبت می‌کرده است. زبان عربی برای ما از آن نظر که چه کسانی به آن تکلم می‌کنند یا تکلم نمی‌کنند احترامی ندارد. زبان عربی تنها از آن جهت که با زبان قرآن است برای ما احترام دارد.



### «قرآن‌شناسی و قرآن‌فهمی

#### ضرورتی مهم در حوزه‌های علمیه:

«من باید الان در حضور شما اعتراف کنم که خود ما، همین تیپ ما در اثر انحرافات که در طول تاریخ در تعلیمات ما وجود داشته به گونه‌ای هستیم که در این حوزه‌های علمی و دینی که از اول غرق در یک سلسله مسایل می‌شویم و در این مجرا قرار نمی‌گیریم که قرآن را بشناسیم. زبان عربی را هم درست یاد نمی‌گیریم. آن مقصداری هم که یاد می‌گیریم به درد قرآن‌فهمی و قرآن‌شناسی



دفعات بعد خواسته ام بخوانم دیده ام که کشیده نمی شوم. دیگر بعد به گونه ای می شود که به زور باید آن را بخوانم. و این تنها قرآن است که یک چنین حلاوت و شیرینی ای دارد که انسان هر چه بخواند شیرینی آن سلب نمی شود. و این، حکایت می کند از یک نوع تناسب بسیار مرموز میان روح و فطرت و این کلام، که کلام خداست. و انسان چون واقعا کلام خالقش را و ندای غیب و ماوراء طبیعت را دارد می شنود، هر چه می شنود خسته نمی شود. به هر حال خواستم در آخر عرایض توصیه کرده باشم. توصیه ای را که آقای آرام دیروز کرد. که واقعا این توجیه را بپذیرم و تا هر حدی که برایمان ممکن است این زبان را یاد بگیریم، ولی هدفمان قرآن باشد، بیشتر قرآن را تلاوت کنیم و عملاً زیبایی های این کلام آسمانی را بهتر درک کنیم». (۵)

امید است خدای بزرگ توفیق جامه ای عمل پوشاندن به این توصیه آن استاد شهید را به همه ما عنایت فرماید. شهیدی که جان پاکش را در راه مقدس قرآن و آرمان های والايش نثار معبود کرد. روحش شاد و راهش پر رهرو باد!

به خود قرآن می بینم که این اصلاً یک چیز دیگری است؛ حتی همین زیبایی قرآن را من سابقاً یا اینکه کتاب مطول و غیره را خوانده بودیم، ولی چون آنها برای ما کافی نبوده، چیزی درک نمی کردم. ولی حالا واقعاً زیبایی قرآن را حس می کنم. مخصوصاً وقتی که با آهنگ لطیف و زیبایی خوانده شود. این قرائت های عبدالباسط، بعضی از قرائت هایی که کرده است، البته من همه را گوش نکرده ام، بعضی از قسمت هایی که آهنگش با موضوعی که در آن آیه است، تناسب دارد، تأثیرش عجیب است. مثل آیه «یا ایتهن النفس المطمئنه» یا سوره «اذا الشمس کورت» غالباً هر چه خوانده، اینجور است. سوره «اذا الشمس کورت» را با آهنگی متناسب با معنی آن خوانده است، مخصوصاً وقتی با این آهنگ ها می شنوم خیلی لذت می برم، و گاهی لازم نیست آهنگی باشد، خودم به تنهایی یک آیه قرآن را تکرار می کنم، می بینم چقدر شیرین و لطیف و زیباست. این حلاوت و شیرینی قرآن [و اینکه] هر چه تکرار می شود از شیرینی اش کاسته نمی شود، از وجوه اعجاز قرآن کریم است. سوره ای حمد را ما چقدر می خوانیم؟ روزی ده بار فقط برای نمازهایمان می خوانیم. هر قطعه زیبایی را شما بخوانید روزی ده بار بخوانید، برایتان مهموم است. من امتحان کرده ام. گاهی قطعات فارسی بوده که من خوانده ام، خیلی مرا جذب کرده ، دفعه دوم خواندم باز بیشتر جذب شدم. شاید تا پنج دفعه خواندم همین طور بود. ولی

پی نوشت ها:

۱- مجموعه آثار شهید مطهری. ۳/۵۵۰.

۲- آشنایی با قرآن. ۵/۹-۱۰.

۳- همان، ۳/۷.

۴- همان، ۴/۵ تا زمان نگارش این مقدمه تنها ده جلد از مجموعه آشنایی با قرآن منتشر شده است.

مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۳، ص ۵۵۰.